مقاله پژوهشی

مقایسه وضعیت هوش هیجانی در زنان قربانی خشونت خانگی با گروه شاهد

دکتر محمدعلی امام هادی*- مریم جلیلوند** - مینا هادیان***

* متخصص پزشکی قانونی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، عضو مرکز تحقیقات پزشکی قانونی
** کارشناس ارشد روان شناسی، مرکز مشاوره توحید، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران
*** کارشناس ارشد روان‌سنجی، مرکز مشاوره توحید، اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران

چکیده

زمینه و هدف: مسأله خشونت بین فردی و رفتارهای خودتخریبی زوجین ریشه در بافت ناسازگاری زناشویی و عدم کنترل هیجان‌ها دارد. هوش هیجانی نوعی از هوش اجتماعی و شامل توانمندی نظارت بر هیجان‌های خود و دیگران است. هدف این مطالعه، بررسی نقش هوش هیجانی در پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان است.

روش بررسی: روش پژوهش در طرح حاضر مقطعی، توصیفی ـ تحلیلی با انتخاب دو گروه آزمون ـ شاهد ۸۳ نفری از زنان مورد خشونت واقع شده مراجعه کننده به سازمان پزشکی قانونی و زنان فاقد سابقه خشونت خانگی به صورت غیر احتمالی از گروه‌های در دسترس می باشد. نمونه‌های هر دو گروه، برگه مشخصات جمعیت شناختی و پرسشنامه هوشبهر هیجانی بار- آن (bar-on) را تکمیل کردند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در نمره کلی هوش هیجانی و نیز در تمامی مؤلفه‌های هوش بین فردی، درون فردی، سازگاری، تحمل استرس و خلق عمومی، میانگین نمرات گروه زنان عادی بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده، بوده‌است. همچنین تفاوت معنادار در خرده مؤلفه‌های هوش هیجانی نیز دیده شد.

نتیجه گیری: ارتقا و کارآمد کردن توانایی‌های هوش هیجانی که در زمره اصلی‌ترین مهارت‌های عاطفی و اجتماعی زندگی است، در پیشگیری از خشونت های خانوادگی اهمیت بسیار دارد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، خشونت خانوادگی، پزشکی قانونی، پرسشنامه بار- آن، زنان قربانی خشونت

وصول مقاله: ۱۳۸۷/۳/۲۵ تأیید مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۶

نویسنده پاسخگو: خیابان کارگر جنوبی، خیابان کمالی، بیمارستان لقمان حکیم، بخش مسمومین emamhadi@yahoo.com

مقدمه

موفقیت در زندگی شخصی و حرفه‌ای هر شخص به توانایی وی برای استدلال در مورد تجارب هیجانی[1]، مسایل دارای بار عاطفی و ارایه پاسخ به شیوه های سازگارانه از لحاظ هیجانی نسبت به نتایج مبتنی از استدلال درباره گذشته، حال و آینده وابسته است (۱).

تحقیقات متعدد بر این موضوع تأکید دارد که امروزه صرف توسل به هوش عمومی[2] به تنهایی برای تبیین موفقیت کافی نبوده و برای دستیابی به موفقیت، به چندین نوع هوش و کنترل هیجانات نیاز می باشد (۴-۲). از طرفی برخی پژوهشگران بر این باورند که بین هوش هیجانی[3] و عملکرد موثر در تطابق با اقتضائات روزمره زندگی پیوند و رابطه استواری وجود دارد (۸-۵).

واقعیت آن است که مقوله ازدواج از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های زندگی انسان بوده، به طوری که لازمه ازدواج موفق، وجود سطح بالایی از سازگاری در طرفین است (۱۱-۹). باید اذعان داشت که عمده علت بروز خشونت‌های بین فردی و رفتارهای خودتخریبی[4] زوجین ریشه در ناسازگاری زناشویی دارد (۱۲،۱۳). و آنچه که در این میان بسیار حیاتی می نماید، بررسی این موضوع است که آیا بالا بودن هوش هیجانی می‌تواند به عنوان عاملی برای پیشگیری از خشونت خانوادگی علیه زنان مطرح گردد. لذا محققان این پژوهش بر آن شدند تا به بررسی چگونگی رشد آشفتگی در زندگی مشترک، به ویژه در زمینه ویژگی های هیجانی، شیوه های ارتباط و حل مسأله و مقایسه آن در دو گروه زنان مورد خشونت واقع شده و زنانی که فاقد چنین سابقه‌ای هستند، بپردازند.

روش بررسی

مطالعه حاضر به صورت مقطعی، توصیفی ـ تحلیلی با انتخاب دو گروه ۸۳ نفره آزمون (گروه زنان مورد خشونت واقع شده مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی شهر تهران طی یک دوره شش ماهه)

1- Emotional experiments
2- Intelligence Quotient = IQ
3- Emotional Intelligence = EI or EQ
4- Self-destroyed behavior

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]

و گروه شـاهد (زنانی که به دلیلی غیر از شـکایت از همسر و درگیری خانوادگـی (نظیر افت تحصیلی فرزندان، اختـلالات نوروتیک و ...) به مرکز مشاوره توحید مراجعه داشته و در مصاحبه سابقه ای از خشونت خانگی نداشـتند)؛ به صورت غیر احتمالی در دسترس انجام گردید. در هر دو گروه مورد مطالعه، نمونه ها دارای زندگی مشـترک، دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، سطح تحصیلات زیر دیپلم تا لیسانس و تعداد فرزندان ۱ تا ۴ نفر بودند.

پس از اخذ معرفی‌نامه از سـازمان پزشکی قانونی، پژوهشگران به پنج مرکز پزشـکی قانونی شمال، جنوب، شـرق، غرب و مرکز مراجعه کردند و با ارایه حضوری توضیحاتی به نمونه‌های مورد بررسی در ارتباط با هدف پژوهش، اهمیت آن و محرمانه بودن اطلاعات بدسـت آمده از آنان خواسـتند تا با دقت به تکمیل پرسشـنامه «هـوش بهر هیجانی بار-آن[5]» و فرم مشـخصات جمعیت‌شـناختی «شاخص‌های مربوط به اطلاعات زمینه‌ای و متغیرهای همتاسـازی گروه‌ها (سـن، تحصیلات، شـغل و تعداد فرزندان)» اقدام نماینـد. در نهایت تمامی داده‌ها تحت بررسـی‌های توصیفی تحلیلی جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و تحلیل واریانس چند متغیره قرار گرفته‌اند.

پرسشنامه هوش‌بهر هیجانی بار-آن:

پرسشـنامه هوش بهر هیجانـی بار- آن به طور کمـی دو مفهوم پیچیده هـوش هیجانی (یعنی مجموعه‌ای از قابلیت‌هـا و مهارت‌های غیرشـناختی که توانایی فرد را برای موفقیت و برآوردن خواسـت‌ها و نیازهـای محیطی، تحت تأثیر قرار می‌دهد) و سـلامت هیجانی کنونی را توصیف و ارزیابی می‌کند (۵). این پرسشـنامه حاوی ۱۳۳ سـؤال و نخستین پرسشنامه معتبر فرافرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است (۶) که در سـال ۱۹۹۷ توسط روون بار- آن[6] ساخته شد و مشتمل بر یک نمـره کلی (هوش بهـر هیجانی کلی)، پنج عامل مرکـب روابط درون فردی[7]، روابط بین فـردی[8]، مقابله با فشـار[9]، سازگاری[10]، خلق کلی[11]، یک شاخص هماهنگی و ۱۵ خرده مقیاس است. مدت زمان لازم برای پاسـخ محدودیتی ندارد، اما لازم است در یک مرحله به سؤالات پاسخ داده شود. عموماً اغلب آزمودنی‌ها طی ۴۰-۳۰ دقیقه به این پرسشنامه پاسخ می‌دهند.

جهت محاسبه پایایی آزمون، دکتر دهشیری و همکاران از روش باز آزمایی و روش آلفای کرونباخ اسـتفاده کرده‌اند (۱۴). میانگین ضرایب پایایـی برای ۱۵ خرده مقیاس EQ-I بعد از یک ماه برابر ۰/۷۳۵ و در روش آلفـای کرونباخ، میانگین ضرایب آلفـا برابر با ۰/۷۳۳ بوده که به طور کلی با توجه به نتایج ضرایب بازآزمایی و ضرایب آلفا برای هر یک از خـرده مقیاس‌ها می‌توان نتیجـه گرفت که EQ-I در مورد جمعیت ایرانی از پایایی قابل قبولی برخوردار اسـت. در تفسـیر آزمون، نمرات بالا در مقیاس‌های EQ-I نشـان می‌دهد مهارت‌هـای هیجانی اندازه گرفته شده، قوی، توسعه یافته و دارای عملکرد مؤثر بوده، نمرات پایین نشـان دهنده نقص و نیاز به بهبود صلاحیت‌ها و مهارت‌های خاص در رویارویی با موقعیت‌های محیطی است (۵). نمرات بالا و پایین براساس فاصله آنها از میانگین (۱۰۰) تعریف می‌شوند (جدول ۱).

جدول ۱ - راهنمای تفسیری برای نمرات مقیاس EQ-I

راهنمای تفسیری	نمرات استاندارد
بطور محسوس بالا ـ قابلیت هیجانی که بطور استثنایی رشد یافته است .	بالاتر از ۱۳۰
خیلی بالا ـ قابلیت هیجانی که به میزان زیادی رشد یافته است .	۱۲۹ ـ ۱۲۰
بالا ـ قابلیت هیجانی رشد یافته	۱۱۹ ـ ۱۱۰
متوسط ـ قابلیت هیجانی مناسب	۱۰۹ ـ ۹۰
پایین ـ قابلیت هیجانی رشد نیافته ، نیاز به بهبود	۸۹ ـ ۸۰
خیلی پایین ـ قابلیت هیجانی که بمیزان زیاد رشد نیافته ، نیاز به بهبود	۷۹ ـ ۷۰
به طور محسوس پایین ـ قابلیت هیجانی که به طور غیرعادی رشد نیافته است ، نیاز به بهبود	پایین‌تر از ۷۰

یافته‌ها

در بین نمونه‌های مورد بررسـی، ۶۱٪ گروه نمونه مورد بررسـی دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم و ۷۵٪ آنان خانه دار بودند و بیشترین فراوانی مربوط به دامنه سـنی ۳۰-۲۶ سـال بود. ۶۰٪ از همسران این گروه نیز دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بوده که ۵۸٪ آنان شـغل غیر دولتی داشتند (جدول۲).

آیا تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مولفه های هوش هیجانی در دو گروه مورد بررسی وجود دارد؟

بررسـی‌ها نشـان می‌دهد که در تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی، میانگین نمرات گروه شـاهد (گروه زنان فاقد سـابقه خشـونت) بیشتر از گروه آزمون (زنان مورد خشـونت واقع شده) می باشد. مطابق نتایج آزمون تحلیل واریانس با کنترل خطای نوع اول (جدول۳)، تفاوت بین دو گروه در تمامی مؤلفه ها و نمره کلی هوش هیجانی معنادار است. به عبارت دیگر در نمره کلی هوش هیجانی و نیز در مؤلفه های هوش بین فردی، درون فردی، سـازگاری، تحمل استرس و خلق عمومی میانگین نمرات در گروه زنان عادی بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده است. مقادیر ضرایب تعیین نشان می دهد که بیشترین تفاوت مربوط به نمره

5- Bar-on EQ Questioner
6- Reuven Bar-on
7- Intra-personal Relationship
8- Inter-personal Relationship
9- Stress tolerance
10- Adaptability
11- General mood

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]

جدول ۲- خصوصیات جمعیت شناختی در گروه نمونه مورد بررسی

خصوصیات جمعیت شناختی			گروه ۱	گروه ۲	مجموع
تحصیلات همسر	بیسواد	مجموع	۳	۳	۶
		درصد	۱/۸	۱/۸	۳/۶
	زیر سیکل	مجموع	۱۲	۱۷	۲۹
		درصد	۷/۲	۱۰/۲	۱۷/۵
	زیر دیپلم	مجموع	۱۸	۱۴	۳۲
		درصد	۱۰/۸	۸/۴	۱۹/۳
	بالای دیپلم	مجموع	۵۰	۴۹	۹۹
		درصد	۳۰	۲۹/۴	۵۹/۴
تحصیلات فرد	بیسواد	مجموع	۴	۴	۸
		درصد	۲/۴	۲/۴	۴/۸
	زیر سیکل	مجموع	۱۶	۸	۲۴
		درصد	۹/۶	۴/۸	۱۴/۵
	زیر دیپلم	مجموع	۱۱	۲۲	۳۳
		درصد	۶/۶	۱۳/۳	۱۹/۹
	بالای دیپلم	مجموع	۵۲	۴۹	۱۰۱
		درصد	۳۱/۳	۲۹/۴	۶۰/۶
شغل همسر	بیکار	مجموع	۱۱	۹	۲۰
		درصد	۶/۶	۵/۴	۱۲
	آزاد	مجموع	۴۵	۵۲	۹۷
		درصد	۲۷/۱	۳۱/۳	۵۸/۴
شغل فرد	بخش دولتی	مجموع	۲۷	۲۲	۴۹
		درصد	۱۶/۳	۱۳/۳	۲۹/۵
	خانه دار	مجموع	۵۸	۶۷	۱۲۵
		درصد	۳۴/۹	۴۰/۴	۷۵/۳
	کارمند	مجموع	۲۵	۱۶	۴۱
		درصد	۱۵/۱	۹/۶	۲۴/۷
سن	۲۰-۱۸	مجموع	۵	۵	۱۰
		درصد	۳	۳	۶
	۲۵-۲۱	مجموع	۱۸	۱۸	۳۶
		درصد	۱۰/۸	۱۰/۸	۲۱/۷
	۳۰-۲۶	مجموع	۲۶	۲۶	۵۲
		درصد	۱۵/۷	۱۵/۷	۳۱/۳
	۳۵-۳۱	مجموع	۱۰	۱۰	۲۰
		درصد	۶	۶	۱۲
	۴۰-۳۶	مجموع	۱۳	۱۳	۲۶
		درصد	۷/۸	۷/۸	۱۵/۷
	۴۱ به بالا	مجموع	۱۱	۱۱	۲۲
		درصد	۶/۶	۶/۶	۱۳/۳
جمع کل		مجموع	۸۳	۸۳	۱۶۶
		درصد	۵۰	۵۰	۱۰۰

کلی هوش هیجانی، هوش درون فردی و تحمل استرس می باشد.

آیا تفـاوت معناداری بین میانگین نمرات خرده مؤلفه های هوش هیجانی در دو گروه وجود دارد؟

بررسـی‌ها نشـان می‌دهد که در تمامی خـرده مؤلفه‌های هوش هیجانی، نمرات گروه شـاهد (گروه زنان فاقد سـابقه خشونت) بیشتر از گروه آزمون (زنان مورد خشـونت واقع شـده) اسـت. آزمون تحلیل واریانس با کنترل خطای نوع اول (جدول۴) نشان داد که تفاوت بین دو گروه در تمامی خرده مؤلفه‌ها به جز خرده آزمون مسـئولیت اجتماعی معنادار است؛ به عبارت دیگر در خرده مؤلفه‌های خود آگاهی هیجانی، ابراز وجود، احترام به خود، خود شـکوفایی، اسـتقلال، همدلی، روابط بین فردی، حل مسأله، آزمون واقعیت، انعطاف پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه، شـادکامی و خوشـبینی، میانگین نمـرات در گروه زنان عادی بیشـتر از زنان مورد خشـونت واقع شده اسـت. مقادیر ضرایب تعیین نشـان می‌دهد که بیشـترین تفاوت مربوط به خرده آزمون‌های تحمل استرس، خود شکوفایی و استقلال می باشد.

بحث

پژوهش‌های بسـیاری در رابطه با بررسی خشونت خانگی و رابطه آن با ناسـازگاری زناشـویی صورت گرفته است. مطالعات متعدد نشان می‌دهند که هر سـاله یک نفر از هر هشت مرد متأهل نسبت به همسر خود پرخاشـگری جسمی داشته، بالغ بر دو میلیون زن توسط شوهران خود مورد حمله واقع می‌شوند (۲۱-۱۵).

بر اسـاس نتایج مطالعه حاضر در تمامـی خرده مؤلفه های مورد بررسـی، میانگیـن نمرات گروه شـاهد یعنـی گروه زنان فاقد سـابقه خشونت بیشتر از گروه نمونه یعنی زنان مورد خشونت واقع شده، بوده-اسـت. آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل واریانس با کنترل خطای نوع اول نشان داد که تفاوت بین دو گروه تقریباً در تمامی خرده مؤلفه‌ها معنادار اسـت. به عبارت دیگر در خرده مؤلفه‌های خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، احترام به خود، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، روابط بین فردی، حل مسـأله، آزمـون واقعیت، انعطاف پذیری، تحمل اسـترس، کنترل تکانه، شادکامی و خوشـبینی وضعیت در گروه زنان عادی بهتر از زنان مورد خشونت واقع شده، بوده‌است. بیشترین تفاوت مربوط به خرده آزمون‌های تحمل اسـترس، خود شکوفایی و استقلال می باشد.

اخیراً مفهوم‌سـازی نقش هیجان در زمینه سازگاری یا رضامندی زناشـویی در قالب اصطلاح نوظهور هوش هیجانی عمومیت گسترده‌ای یافته است (۱۱،۱۳،۲۲). پژوهش‌های Fitness و همکاران (۱۱) نشان داده کـه هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه‌های آن، توانایی ایجاد ازدواجی موفق، توام با رضایت و سـازگاری داشـته، افراد دارای هوش هیجانی بالاتر در مقایسـه با افراد با هـوش هیجانی پایین، رضامندی زناشـویی بیشتری را تجربه می کنند. رضایت از همسر، رابطه زیادی با

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]

جدول ۳- میانگین مؤلفه های هوش هیجانی و تحلیل واریانس آن در دو گروه نمونه مورد بررسی

	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	آزمون f	سطح معنا داری
بین فردی	۱	۱۱۱ /۶۴۵۶	۹ /۱۶۹۴۸	۸۳	۲۹ /۹۸۷	۰ /۰۰۰
	۲	۱۱۸ /۷۸۷۶	۷ /۴۸۳۰۹	۸۳		
سازگاری	۱	۹۴ /۰۹۸۷	۱۲ /۶۹۲۰۸	۸۳	۳۷ /۵۰۷	۰ /۰۰۰
	۲	۱۰۴ /۰۹۸۳	۸ /۱۰۹۳۴	۸۳		
تحمل	۱	۵۸ /۴۹۸۴	۱۰ /۵۸۳۹۰	۸۳	۴۹ /۶۳۵	۰ /۰۰۰
	۲	۶۷ /۸۷۳۸	۶ /۶۷۳۸۹	۸۳		
خلق عمومی	۱	۵۷ /۴۸۹۷	۸ /۳۸۷۲۸	۸۳	۴۸ /۰۹۴	۰ /۰۰۰
	۲	۶۵ /۲۹۰۳	۶ /۰۲۹۸۲	۸۳		
درون فردی	۱	۱۴۱ /۸۹۷۳	۱۶ /۳۵۴۷۰	۸۳	۵۸ /۶۰۹	۰ /۰۰۰
	۲	۱۵۹ /۱۸۹۷	۱۲ /۳۴۸۹۵	۸۳		
نمره کلی هوش هیجانی	۱	۴۶۳ /۰۹۸۷	۴۷ /۲۷۴۸۰	۸۳	۸۰ /۴۹۹	۰ /۰۰۰
	۲	۵۱۵ /۷۶۵۰	۲۳ /۳۸۹۵۱	۸۳		

خلق عمومی (شادکامی و خوشبینی)، جنبه‌های درون فردی زندگی شخصی (احترام به نفس، خود شکوفایی)، جنبه های بین فردی (مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی) دارد. شادکامی در رابطه با خود و زندگی، احترام به نفس مثبت، تماس با خویشتن، احساس خود گردانی، انتظارات واقعی، مهارت های بین فردی خوب، احساس مسؤولیت نسبت به دیگران و توانایی حفظ نگرش مثبت علی رغم وجود شرایط دشوار، در رضایت زناشویی سهم بسزایی دارد.

همچنین نتایج مطالعه ما نشان داد که در کلیه مولفه‌های هوش بین فردی، درون فردی، سازگاری، تحمل استرس و خلق عمومی میانگین نمرات در گروه شاهد بیشتر از زنان مورد خشونت واقع شده است. بیشترین تفاوت نیز مربوط به هوش درون فردی و تحمل استرس بوده‌است.

پژوهش‌های متعددی (۱،۹،۱۰) به این یافته اشاره دارد که یکی از ویژگی‌های اولیه افراد دارای هوش هیجانی بالا، توانایی شناسایی صحیح هیجان‌ها و قضاوت در مورد یکپارچگی تظاهرات هیجانی است. به همین دلیل، این افراد موفقیت بیشتری در تطابق با زندگی دارند. آنها قادرند حالات هیجانی خود را به درستی درک و ارزیابی کنند ،به نحوه و زمان ابراز احساسات خودآگاهند و می‌توانند به طریقی مؤثر حالات خلقی خود را تنظیم نمایند. نتایج بررسی‌های دانشمندان (۱۱،۲۳) نشان داد که بین توانایی افراد در شناسایی و تظاهر هیجان-ها و شادکامی و رضایت زناشویی رابطه پایایی وجود دارد و توانایی شناسایی و فهم هیجان‌های خود, یعنی خودآگاهی هیجانی، نقش مهمی در تنظیم روابط بین فردی ایفا می کند.

بسیاری از جنبه‌های هوش هیجانی ممکن است مبنایی برای ایجاد ارتباط و رابطه مناسب با دیگران باشند. بنابراین انتظار می‌رود افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند, تماس‌های اجتماعی بیشتر و روابط با کیفیت بهتری داشته باشند. مطالعات متعدد محققان (۶،۱۱،۱۲،۱۴،۲۴) نشان داد که بین هوش هیجانی و روابط بین فردی رابطه‌ای قوی وجود داشته، کسب نمره بالا در هوش هیجانی با کسب نمره بالا در روابط بین فردی صمیمانه (مانند گزارش برقراری روابط نزدیک و درگیری هیجانی بیشتر با دیگران) همبستگی بالایی دارد. افرادی که توانایی زیادی در مهارت اداره هیجان‌های دیگران دارند, می‌توانند به آنها کمک کنند تا خلق خود را در جهت مثبت تنظیم کرده و روابط صمیمانه ای برقرار سازند.

ارتباط و رابطه بین فردی سازگارانه پایه‌ای اساسی برای موفقیت زناشویی و فرایندی تسهیل کننده برای ازدواجی پایدار و رضامندانه محسوب می‌شود. مطالعه زوج‌های ناموفق نشان داد که در مقایسه با زوج‌های موفق، مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری داشته، در توانایی برقراری ارتباط مناسب مشکل دارند. تظاهرات رفتاری مانند انتقاد، عدم توافق، شکایت و تحقیر کردن، بهانه‌جویی، طعنه زنی و الگوهای ارتباطی عاری از پاداش از شیوه‌های سبک ارتباطی آنهاست که می-تواند موجب رشد اختلالات زناشویی و مشکلات رابطه‌ای در زوجین گردد (۲۵،۲۶).

نتیجه گیری

تعیین مؤلفه‌های ساختاری هوش هیجانی و به کارگیری مؤثر آن برای تقویت کفایت شخصی و بهبود روابط بین فردی در قالب پژوهش-

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]

جدول ٤- میانگین خرده مؤلفه های هوش هیجانی و تحلیل واریانس آن در دو گروه نمونه مورد بررسی

	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	آزمون f	سطح معنا داری
خود آگاهی هیجانی	۱	۳۱ /۵۱۸۱	۵ /۱۴۵۴۹	۱۰ /۲۰۹	۰ /۰۰۲
	۲	۳۴ /۲۵۳۰	۵ /۸۷۹۸۶		
ابراز وجود	۱	۲۰ /۵۵۴۲	۴ /۶۶۵۶۸	۲۵ /۶۹۷	۰ /۰۰۰
	۲	۲۳ /۶۵۰۶	۳ /۰۸۷۶۵		
احترام به خود	۱	۳۵ /۲۲۸۹	۴ /۸۹۹۸۷	۴ /۵۸۵	۰ /۰۳۴
	۲	۳۶ /۶۷۵۷	۳ /۸۷۹۷۶		
خود شکوفایی	۱	۳۱ /۴۹۸۰	۴ /۳۴۵۴۶	۵۰ /۹۸۸	۰ /۰۰۰
	۲	۳۶ /۸۷۹۰	۵ /۲۸۹۷۶		
استقلال	۱	۲۳ /۳۵۶۷	۳ /۱۷۸۷۸	۴۹ /۳۳۴	۰ /۰۰۰
	۲	۲۲ /۲۲۸۹	۵ /۰۹۸۷۵		
همدلی	۱	۲۹ /۵۶۴۷	۳ /۴۹۸۹۸	۱۷ /۷۱۹	۰ /۰۰۰
	۲	۳۲ /۴۵۶۷	۵ /۱۷۸۷۵		
روابط بین فردی	۱	۴۰ /۲۴۱۰	۴ /۷۶۷۸۹	۱۸ /۲۳۵	۰ /۰۰۰
	۲	۴۰ /۶۶۲۷	۵ /۵۸۹۷۶		
مسئولیت اجتماعی	۱	۴۱ /۶۵۰۶	۴ /۶۵۷۴۸	۳ /۱۳۸	۰ /۰۷۸
	۲	۴۲ /۷۳۴۹	۳ /۴۴۹۸۰		
حل مسئله	۱	۳۱ /۵۶۶۳	۴ /۹۸۰۸۶	۹ /۴۱۷	۰ /۰۰۳
	۲	۳۳ /۴۶۹۹	۲ /۶۷۶۵۴		
آزمون واقعیت	۱	۳۲ /۹۲۷۷	۵ /۸۶۹۴۰	۱۹ /۸۳۱	۰ /۰۰۰
	۲	۳۶ /۸۶۷۵	۵ /۵۲۶۷۵		
انعطاف پذیری	۱	۲۹ /۵۴۲۲	۵ /۱۰۹۸۲	۳۲ /۳۹۷	۰ /۰۰۰
	۲	۳۳ /۷۴۷۰	۴ /۳۸۷۶۳		
تحمل استرس	۱	۲۸ /۴۹۴۰	۵ /۱۸۷۳۶	۶۰ /۵۷۵	۰ /۰۰۰
	۲	۳۳ /۹۶۳۹	۳ /۳۷۸۷۲		
کنترل تکانه	۱	۲۹ /۶۹۸۸	۷ /۹۴۵۳۶	۲۰ /۵۵۵	۰ /۰۰۰
	۲	۳۳ /۹۱۵۷	۴ /۷۰۹۱۷		
شادکامی	۱	۲۷ /۷۵۷۹	۴ /۹۷۸۶۷	۲۹ /۴۵۴	۰ /۰۰۰
	۲	۳۱ /۷۵۵۸	۴ /۷۴۸۷۱		
خوشبینی	۱	۲۹ /۶۹۸۸	۴ /۵۷۸۷۳	۳۷ /۰۸۹	۰ /۰۰۰
	۲	۳۳ /۴۳۳۷	۳ /۱۸۹۷۱		

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]

هـای عملی و کاربردی و توجه به ارتقا و کارآمد کردن این توانایی‌های هیجانـی که در زمره اصلی‌ترین مهارت‌های عاطفی و اجتماعی زندگی است، اهمیت بسیاری دارد.

واقعیت آن اسـت که توانایی درک و پذیرش افکار، احساسـات و عواطف یکدیگر در زندگی زناشـویی، با احسـاس رضامندی بیشـتری همراه اسـت. مردان و زنانی که سـطح بالایی از رضامندی و صمیمیت را در رابطه با ازدواج خود گزارش می‌کنند، در پیش‌بینی احساسـات و باورهای شـریک زندگی خود بسیار دقیق هستند و ارزش‌ها و باورهای مشـابهی را در باره میزان نزدیکی و صمیمت بین خود حفظ می‌کنند. ازدواج رضامندانه محل تلاقی و تبادل احساسـات و عواطف مثبت بین زوجین است و هوش هیجانی، یا حداقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی‌سـازی یک ازدواج سـازگارانه و توام با رضایت مطلوب و با ثبات را دارد. در نتیجه بایستی هوش هیجانی مشترک بین دو همسر را پروراند و از این طریق احتمال تشـریک مسـاعی آنان را برای کسـب رضایت بیشتر و حل مسایل خود افزایش داد.

تقدیر و تشکر

این مقاله بخشی از نتایج حاصله از طرح تحقیقاتی به شماره ثبت ۱/۲/۲۰۳۰۳ مصوب معاونت پژوهشـی سـازمان پزشکی قانونی کشور می‌باشـد که با مشـارکت مرکز تحقیقات پزشـکی قانونی کشور انجام پذیرفته است. در اینجا شایسـته است که مراتب سپاس و قدرشناسی خود را اعلام نماییم.

ضمناً بر خود لازم می‌دانیم جهت سـپاس از زحمات کلیه عزیزان معاینـات زنان مرکز که ما را در اجرای ایـن طرح یاری داده‌اند، کمال

References

1- Salovey P, Mayer JD, Bedell BT, Detweiler JB. Current directions in emotional intelligence research. Handbook of emotions 2nd ed. New York: Guilford press; 2000. 504-20.

2- Mayer J.D., Salovey P. Emotional intelligence and the construction and regulation of feeling. Applied and preventive Psychology. 1995:4(3):197-208.

3- Mayer JD, salovey P, Caruse DR, Sitareniose G. Emotional intelligence as standard intelligence. Emotion. 2001;1: 232-42.

4- Pellitteri J. The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. The Journal of psychology. 2002: 136(2): 182-92.

5- Bar-on R. Bar-on emotional quotient inventory. Toronto: multi-health system Inc. 1997: 66-71

6- Bar-on R, Parker L. Emotional & social intelligence insights from emotional quotient inventory (EQ-i). In: Bar-on R & Parker, J DA (Eds). 2000: 21-28.

7- Bar-on R., Sitarenios M. Emotional intelligence and self-actualization. Emotional intelligence in everyday life. Philadelphia: Tailor & Francis. 2001: 82-97.

8- Goleman D. Emotional intelligence. Kaplan & sadock`s comprehensive Textbook of psychiatry. 7th ed Philadelphia: Williams &Wilkins. 2000 : 446-62.

9- Mayer JD, salovey P. The intelligence of emotional intelligence. Intelligence. 1993; 17(4):433-442.

10- Saarni C. The development of emotional competence. New York: Guilford press. 1999: 99-104.

11- Fitness J, Brissette N, Clark L. Emotional intelligence and intimate relationships. Emotional intelligence in everyday life. Philadelphia: Taylor & Francis. 2001: 98-112.

12- Goleman D. Emotional intelligence; why it can matter more than IQ. New York: Bantam Books. 1995: 88-91.

13- Schutte NS. Emotional intelligence and inter personal relation. The journal of social Psychology. 2001; 141(4): 523-36.

14- Dehshiri Gh. Evaluation of the structure of Bar-on emotional quotient inventory on Tehran university students. Psychology and behavior faculty of allame tabatabaei university. 1382: 56-61.

15- Pasch LA, Bradbury TN. Social support, conflict and development of martial dysfunction. Journal of consulting and clinical Psychology. 1998; 66(2).219-30.

17- Holtzworth MA, Sinutzler N, Stuart GL. Demand and Withdraw communication among couples experiencing husband Violence .Journal of consulting and clinical psychology. 1998; 66(5):731-43.

18- Dutton DG. Male abusiveness in initiate

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]

relationships. Clinical psychology. 1995; 15 (6):567-81.

19- Murphy CM, Oleary KD. Psychological aggression predicts Physical aggression in early marriage .Journal of consulting and clinical psychology. 1989; 75(5):579-582.

20- Cascardi MO, Leary KD, Lawrence E, Schlee KA. Characteristics of women physically abuse by their spouses and who seek treatment regarding martial conflict. Journal of consulting and clinical Psychology. 1995; 63(4):616-23.

21- Jewkes R. Intimate partner violence: causes and prevention. the lancet. London. 2002; 359-1429.

22- Ellsberg MG, Winkvisit A, Pena R, Stenlud H. Women`s strategic responses to violence in Nicaragua. Journal of Epidemiology and community Health. 2001; 55: 547-59.

23- Gottman JM, Levenson RW, dekay ML, Greeno G. A two-factor model for predicting when a couple will divorce. Family process. 2002; 41: 83-110.

24- Flury J, Ickes W. Emotional intelligence and empathic accuracy. Emotional intelligence in everyday life. Philadelphia: Taylor & Francis. 2001; 113-32.

25- Ciarrochi J, Deane FP, Anderson L. Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. Personality and individual differences. 2002; 32: 197-209.

26- Morris ML, Carter S. Transition to Marriage: A literature Review. JFCSE. 2000; l17(1): 1-21.

27- Stanley SM, Blumberg SL, Markman HJ. helping couples fight for their marriages: The PREP approach. Preventive approaches in couples' therapy. Philadelphia: Taylor & Francis. 1999; 279-303.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-26]